

### دیوان میر هوتک خان افغان (۱)

نکارش آقای سرور خان گویا

آقای محترم نجیب الله خان متعلم صنف عالی مکتب استقلال که شوق مفرط و علاقه نفیسی نسبت به آثار ادبا و شعرای نامور وطن عزیز داشته و دارند و علاوه بر آن مقالات خوب و زیبایی در مجله کابل نگاشته و با ما امداد قلمی و ادبی کرده اند اخیراً دیوان میر هوتک خان افغان شاعر معروف افغانی را که بخط میر محمد سمانخان ابن قاضی (۲) است و از طرفی نوۀ دختری میر هوتک خان میشود به انجمن ادبی محترمانه اهدا فرموده و انجمن نیز ازین هدیه نفیس آقای موصوف تشکر و امتنان نموده مختصراً میخواهد ازین دیوان و شاعر آن قرار ذیل معرفی نماید :

میر هوتک خان متخلص به افغان از رجال بزرگ و خوانین محترم زمان خویش و با اعلی حضرت تیمور شاه معاصر با که شاعری در بار اعلی حضرت اش بوده و

(۱) قبل ازینهم دیوان میر هوتک خان افغان را که کاملترین و جامع ترین نسخه بوده بخط خود میر هوتک خان بکتابخانه نائب السلطنه مرحوم میر فتح الله خان ششم ولی اکنون معلوم نیست که آن دیوان در کجا و بدست کی افاده است .

(۲) قاضی میر حسین خان ابن قاضی میر فتح الله خان متخلص به ابن قاضی از شعرای معروف زمان اعلی حضرت امیر شیرعلیقان مرحوم و معاصر بامیر الفت کابلی و سالک بالاحصاری و طرزی مرحوم و غیره بوده و روزگاری م برمسند قضای بلده کابل سبزی نموده است ، دیوان ابن قاضی بانجیس ککریتمای حضرت سعدی که زاده طبع خود او ، و موسوم به پنج گنج است بخط میر عثمان آقای مرحوم پسر ابن قاضی که بتاريخ یوم جمعه ۲۹ برج عقرب شمسی و ۲۴ شهر ربیع الثانی قمری ۱۳۰۳ ش و ۱۳۴۳ ق در شهر کابل از نوشتن آن فارغ شده در نزد نگارنده موجود است طرز و شیوه نگارش آن عیناً همان شیوه و طرز دیوان افغان است . علاوه برین تاحال دو مرتبه دیوان ابن قاضی بعنوان (دیوان ابن قاضی یدل) در مطابع هند بطبع رسیده شایقین می توانند که آن را دستیاب نمایند .

گاه گاه بآن شاه شاعر مصاف های ادبی داده و اکثراً اشعار اعلیحضرتش را استقبال کرده و مورد مرحام ملوکانه واقع شده است چنانچه فاضل گرامی آقای حبیبی مدیر محترم طلوع افغان در مقاله که نسبت به دیوان اشعار اعلیحضرت تیمور شاه نوشته و به شماره ۳۱ و ۳۲ کابل بطبع رسیده يك غزل اعلیحضرت تیمور شاه را با غزل میر هوتک خان افغان که در جواب آن سروده نمونه نشان داده اند. میر هوتک خان از شعرای مقتدر و ممتاز عصر سدوزایی است و استادی او در شعر بر همه شعرای معاصرش از قبیل میرزا لعل محمد خان عاجز و میرزا احمد خان احمد نخلص و میرزا قلندر، عزت، جائز و غیره مسلم است. و در يك قصیده که میرزا لعل محمد خان عاجز در حین لشکرکشی اعلیحضرت تیمور شاه بسوی بلخ سروده است نسبت به افغان و میرزا قلندر که دوست و رفیق عاجز و درین مسافرت با اعلیحضرت تیمور شاه ملتزم رکاب بوده اند چنین گفته است.

آن یکی میر هوتک در شاعری افغان لقب <sup>گاه علوم اسانی و مطالعات</sup> وان دگر میرزا قلندر باغ معنی را بهار سبک سخنوری او از همه نزدیکتر با واقف لاهوری شاعر همروز و معاصر اوست میگویند با واقف لاهوری مراسلات شعری و مکاتبات ادبی داشته است و لی از برخ اشعارش رائحه سبک خواجه شیراز و کمال خجند بمشام خواننده میرسد از استقبالهای اشعار خواجه و کمال که در دیوان افغان موجود است. معلوم میشود که بمطالعه این هر دو دیوان توغل زیاد داشته است.

بهترین بخش سخنوری او قسمت غزلیات و بی است که نسبت بمعاصرین خویش به آخرین درجه انسجام بالا برده است دیوان مدون و مردف او که حاضرأ در دست است عبارت است از يك کتابی که قطع آن در طول ۲۱ سانتی و عرض آن ۱۵ سانتی دارای ۳۷۴ صفحه و هر صفحه آن محتوی ۹ و احیاناً ده سطر ۱۲ کلمه ای که بخط نیمه درشت و نستعلیق خوانائی نوشته شده است عده غزلیات آن ۶۹۸



غزل که طویلترین آن از ۱۱ فرد بالا نبوده و کوتاه ترین آن از ۵ فرد کم و پایان نیست علاوه برین ابتدا و آغاز ردیف ها با تخلص شاعر در مقطع هر غزل که لفظ ( افغان ) است با مرکب قرمز قدری جلی تر نوشته شده . در غزلیات او محور و زمینه های که ریخته افکار و خیال خود او باشد کم است بلکه اغلب غزلیاتش باستقبال اشعار ، سعدی ، خسرو ، کمال خجندی ، خواجه شیراز ، جامی ، محتشم ، صائب ، کلیم ، واقف و غیره سروده شده و اکثراً از مصاریع شعرای فوق را در مقاطع ابیات خود بطور تضمین آورده است خصوصاً از واقف که گوئی با این شاعر شیو ابیات يك ائتلاف روحی و اتحاد معنوی داشته است .

عده مثنویات آن که شامل حمدیاری تعالی عز اسمہ و نعمت حضرت رسول ص است به ۴ مثنوی میرسد که نخستین آن دارای ۶۵ بیت بر وزن بوستان شیخ که بحر تقارب مثنی مکفوف است ( فعولن فعولن فعولن فعول ) و دومین دارای ۱۸۴ بیت بر وزن مخزن الاسرار حضرت نظامی واقع شده که بحر سریع مطوی موقوف است ( مفتعلن مفتعلن فاعلات ) و سومین آن مشتمل بر ۶۶ بیت بر وزن سلسله الذهب حضرت مولانا جامی واقع شد و بحر خفیف مقطوع است ( فاعلاتن مفاعلهن فعولن ) و چهارمین ۱۶ بیت بر وزن یوسف زلیخا واقع شده که بحر هزج مسدس محذوف است ( مفاعلهن مفاعلهن فعولن )

سلاست اشعار و رشاقه الفاظ تا اندازه به مثنویات سبعه یعنی هفت اورنگ حضرت جامی پهلو میزند ولی با اینهمه تحت الشعاع اسلوب مثنوی سرائی جامی واقع شده . علاوه بر غزلیات و مثنوی عده هم از رباعیات و افراد منتخبه که از روی متن غزلیات انتخاب گردیده در آخر دیوان نگاشته شده که تعداد رباعیات آن ۴۴ و عده افراد آن ۹۲ فرد است که مضامین بعضی افراد آن

بافراد کلیم ، شوکت ، غنی ، واقف و غیره توارید واقع گردیده است ولی سبک رباعیات او در بین اسلوب حافظ و سحابی آستر آبا دی واقع شده و سبک حافظ را بیشتر مراعات نموده میل دارد . سبک رباعیات او شبیه ترین و نزدیک ترین سبکی باشد بحافظ چنانچه رباعیات ذیل شاهد مدعای ماست .

این شیشه می باده فروشی بوده است	شیرین دهنی بیاه نوشی بوده است
خاکی که سبو کنند بیاه درست	بیاه کش سبو بدوشی بوده است
هر جا که غبار سر راهی بوده است	سلطان سپهر دستگاهی بوده است
هر ذره خاک این کهن دیر افغان	شاهنشاه خورشید کلاهی بوده است

در دو رباعی ذیل اسمی از حضرت ایشان و مزار مبارک شان که زیارتگاه عموم در استائف است برده و معلوم میشود که ارادت و عقیدتی در زمان حیات نسبت بحضرتش داشته است :

این مرقد مرشد صفا کیشان است	وین بار که شیخ عظیم الشان است
هر فیض که امروز دلت میخواهد	در خاک مزار حضرت ایشان است

جامی دیدم که لایق تحسین است	باغ ارم و بهشت گفتم این است
از صاحب آن مکان نشان می چشم	گفتند مزار میر سیف الدین است

معمیات او که ضمیمه آخرین دیوان است با اسم صدیق ، عزت ، عشرت ، منور ، صمد ، بامر کب قرمز نجر بر یافته و مانند معمیات جامی در حالیکه اعمال نظر و صرف دقت میخواهد در عین حال هم از لطافت و حلاوت شاعری بی بهره و بی نصیب نیست مثلاً با اسم (منور)

باز میخواهم که ترک صحبت دشمن کند

یا در من از غیر روگردانده سوی من کند

در خاتمه خاتمه دیوان را که بقلم میر عثمان آقای مرحوم نوه دختری میر هوتک خان مرحوم نوشته شده و علاوه بر آن سلسله نسبی و اجدادی و تاریخ اختتام نگارش دیوان این شاعر افغان را در بردارد در پنج پادوسه غزل و افراد منتخبه آن که نماینده سبک اوست استنساخ نموده بنظر خواننده گان عزیز می رسانیم .



بحمد الله تعالى عز شانه که تمام شد و صورت اختتام پذیرفت تحریر کتاب  
 دیوان افغان از کلام بلاغت انجام جناب مرحوم مغفور میر هوتک خان درانی  
 فوفلزائی ایوب زائی تخلص افغان که جد مادری والدین هیچمدان راقم این  
 دیوان است بقلم بنده در گاه حضرت سبحان و راجی الی رحمت العزیز المنان  
 میر محمد عثمان ابن المرحوم جنت مکان قاضی میر حسین خان ابن مرحمت بنیان  
 قاضی میر فتح الله خان قاضی بوده در بلده طیبه کابل صانه الله و اهله عن الجور  
 و التطاول و احقة و اهله من التزازل و الضلالت و العصیان بجرمت حضرت  
 سید الرسالت و نبی آخر الزمان صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم بتاریخ یوم  
 دو شنبه بیست و یکم ۲۱ شهر ربیع الاول قمری مطابق بیست و هفتم ۲۷ برج  
 میزان شمسی سنه ۱۳۴۳ یکهزار و سه صد و چهل و سه از سنه قمری و سنه ۱۳۰۳  
 یکهزار و سه صد و سه از سنه شمسی هجری نبوی \*

غزل

تو رفیق و شدت از پی روان دل      نه یک دل بلکه چندین کاروان دل  
 گرفتارند دلها بر تو یارب      چه خواهی کرد با این یک جهان دل  
 دلت خارا و چشمت بی ترجم      معاذ الله از ان چشم و از ان دل

نمی باشد سر عشق افغانی هویتدانات و سبکی

اگر واقف بودی در میان دل

رساله غزل جامع علوم انسانی

بایدت در پی تحصیل هنر کردیدن      عزت قطره فرایند و گهر کردیدن  
 نعمت خوان غم عشق بتان دانی چیست      راضی از درد و بخوناب جگر کردیدن  
 بسر کویتوتا چند به امید وصال      خشک لب رفتن و با دیده تر کردیدن

دارم از تیر تو ای یار جو واقف افغان

کان هم آموخت ز مزگان تو برگردیدن

افراد

دید چون در گریه ام از عشق خود خندید و گفت      شهره خواهد کرد این رسوای نزد امن مرا

☆

اکنون نه بزلت تو اسپریم کنز ایجاد      وابستگی هست درین سلسله ما را

سباب یاره ز دل بی قرار ماست      طوفات کنایه از مزه اشکبار ماست  
 جز ناله خود هیچکس همفسی نیست      آنهم قسی هست ز ضعف و قسی نیست  
 شبها کسی انیس دلم غیر آه نیست      آنهم ولی ز ضعف کپی هست و گاه نیست  
 آورد صبا غبار کوش      بر طبع کس این غبار نگذاشت  
 از تو پنهان چند دارم حال خویش      سوختم چون شمع گفتم روشنست  
 آنچنان مهر تو عام است که همچون خورشید      زره نیست که شرمندۀ احسان تو نیست  
 کسی بهجر انیس دلفکارم نیست      بغیر اشک که آنهم در اختیارم نیست  
 بظلمت شب هجران چنان اسیر شدم      که سایه نیز ز بهلوی من کنار گرفت  
 ز میانش کسی نکفت سخن      ما شدیم اندرین میان گستاخ  
 بنای قصد سرم کرده تو و شادم      اگر بنیای تو نگرفت سر چه خواهم کرد  
 می رسمت گفت به دستم یک طبع انسانی      آه کسی این وعده به سر می رسد  
 نرسیده به گوشش که کلشن کنه تالخوان علوم الهی      مگرش سبزه خط گوش گذاری بکند  
 آمد اندر خواب امشب دستش اندر دست من      دست این دولت مرا گاهی به بیداری نداد  
 کردم اندیشه که در راه وفا سرد هست      وه چه اندیشه خوب است اگر سر گیرد  
 جو پروانه در آتش عشق امشب      مرا سوخت آن شمع و پروانه دارد  
 چند گوشم در بی تحقیق سر آن دهن      تا یکی این قطعه سرگردان جو بر کارم کند  
 گفتمش رخ بنا وعده مرا داد بعبد      وعده وصل من افتاد بعبد آخر کار

\* دوشم بگذشت از کمر اشک  
 \* امشب بگذشته است از دوش  
 \* زدی ناشانه آن زلف سه روزم سه کردی  
 \* من این روز سه را بار هادرشانه میدیدم  
 \* باناز بگو قصه چشم و دل یا کم  
 \* شاید نبود مصلحت او بهلا کم  
 \* \* \* اتها

تقریظ :

مجله دنیا

یکی از نشرات و مطبوعات جدید طهران مجله شریفه ( دنیا ) است که باین بازگی بطور تبادلہ مجله کابل بانجمن ما واصل شده .

مجله دنیا بتقطع مجله کابل و در ( ۳۲ ) صفحه دارای مضامین علمی ، صنعتی ، اجتماعی و باحث از نقطه نظر اصول مادی میباشد که ماهوار بقلم یکمده از فضلالی ایرانی طبع و نشر می شود .

این مجله شریفه دارای مضامین خوب و مباحث مهم علمی و قابل استفاده است . مخصوصاً در قسمت فنون و اجتماعیات مضامین خوبی دارد .

امید است این مجله بزودی در حجم و حسن طباعت و کاغذ و دیگر محسنات مادی خود ترقی کرده و قابل استفاده های زیادی برای فارسی زبانان مخصوصاً اولاد ایرانی واقع شود .

مادوام این مجله را در زمره مطبوعات مملکت هم جواریان عزیز از خدا ثنا  
منا نموده موفقیت کارکنان آن را خواهشمندیم ( کابل )

آدرس و قیمت اشتراك ( مجله دنیا )

قیمت اشتراك سالانه : ۲۰ ریال

آدرس : طهران چهار راه وزارت جنگ

محل طبع : مطبعه اطلاعات اداره مجله دنیا